

«یک تغییر مکان و هزار بحث» (!?)

«یحیی کوچ اوغلو» مقاله نویسنده روزنامه «رادیکال» چاپ استانبول در شماره ۲۸ ژانویه این روزنامه تحت عنوان بالا در ادامه سلسله مقالات خود مربوط به شهروندان غیرمسلمان ترکیه به مسئله قتل عام ارمنه در سال ۱۹۱۵ پرداخته و می نویسد: «عثمانی ها یکی پس از دیگری سرزمین های تحت سلطه خود را از دست می دادند و این امر آن ها را عصبی کرده بود. و وقتی «وان» نیز به دست نیروهای روسیه افتاد کاسه صبرشان لبریز شد.

دولت تا مه ۱۹۱۵ تعداد ۲۳۴۵ نفر از ارمنه را بازداشت کرده و برخی از آنها را در ملاء عام به دار آویخت و برخی دیگر را تبعید نمود.»



سلطان خونین.
روی جلد نشریه
فرانسوی «میوزه سیرا»
شماره ۵ مورخ ۱۸۹۶



۳۰۰ هزار نفر در آناتولی به قتل رسیده اند. اما این يك نژاد کشتی نیست.

حکومت عثمانی که شکست خورده از جنگ جهانی خارج شده بود. به دلیل افشای طرح انتقال ارمنه در سال ۱۹۱۷ بلاجبار دادگاهی برای محاکمه ۱۹۳۷ نفر از مسئولین وقت ترکیه تشکیل داد و ۴۰ نفر از آنان را نیز به اعدام محکوم نمود. ولی ما بقی با استفاده از شرایط بوجود آمده جدید. و آغاز جنگ میان ترکیه و یونان توانستند از محاکمه رهایی یابند.

بر طبق آمار خلیفه گری ارمنه ترکیه قبل از جنگ جهانی اول تعداد ارمنه ساکن ترکیه دو میلیون و یک صد هزار نفر بوده اما در آمارها و منابع دولتی این تعداد يك میلیون و سیصد هزار نفر آمده است. و از آن پس سالهاست که در مورد تعداد فوت شدگان حین انتقال بحث وجود دارد. اما آنچه مسلم است اینکه پس از پایان اجرای طرح انتقال تعداد ارمنه به حدود ۶۰ هزار نفر رسید.

در این مورد نیز که چند نفر از پسران ارمنی به عنوان پسر خواننده به خانه های ترک ها راه یافته اند اطلاعی در دست نیست.»

طرح انتقال ارمنه در ۲۷ مه ۱۹۱۵ از تصویب گذشته و در اول ژوئن همان سال در روزنامه رسمی کشور به چاپ رسید.

بنابر تصمیم فوق افراد ذکور ۱۶ الی ۵۵ ساله ارمنی می بایست به سوریه منتقل می شدند. در محل استقرار جدید تعداد ارمنه نسبت به جمعیت منطقه نمی بایست بیش از ده درصد باشد و در ضمن می بایست شرایط زندگی قبلی آنها برایشان مهیا و در مقابل فروش خانه و زمینشان در محل جدید برای آنها خانه و زمین تهیه می شد.

پس از مدتی طرح انتقال شامل دیگر مناطق نیز شد و ارمنه مغرب و تراکیا نیز از زادگاهشان تغییر مکان داده شدند. چنانکه در سال ۱۹۱۷ گویی دیگر ارمنی در آناتولی زندگی نمی کرد.

بیشترین تعداد کشته شدگان به سال ۱۹۱۵ و در آناتولی بود که امروزه در این باره عقاید متفاوتی وجود دارد.

گروهی بر این عقیده اند. که جنگ تن به تن در گرفته و تعداد کشته شدگان دو طرف مساوی بوده است. گروه دوم اعتقاد دارد که بیش از يك میلیون نفر در آناتولی کشته شده اند و این يك قتل عام است و سومین گروه تأکید می کنند که هر چند تعداد

تنها مللی زنده می ماند که رسم مبارزه را از یاد نمی برند

تهران ۲۴ آوریل ۱۹۱۵



در دهه های آغازین قرن بیستم دنیای به اصطلاح متمدن برای منافع خاص خویش با بسیاری از دیکتاتورهای زمانه هم کاسه شد و آزادی، استقلال و حقوق ابتدایی ملت‌های محروم را زیر پا نهاد که دیروز اجرای طرح غیر انسانی و ددمنشانه قتل عام ارامنه و اشغال ارمنستان غربی از سوی حکومت ترکیه و سکوت سردمداران اروپا و آمریکا در قبال آن و امروز به پیش کشیدن بحث به رسمیت شناختن و نشناختن واقعیت انکار ناپذیر قتل عام از سوی ایشان و تشکیل کمیته های به اصطلاح آشتی ارامنه و ترکها و همراه شدن عوامل داخلی نشان با آنها یکی از این نمونه هاست...

و در این زمان همان علمداران "تمدن و انسانیت" به نام "آزادی و دموکراسی" چه خونها که نمی ریزند و از چه غاصبینی که حمایت نمی کنند...

در قاموس سردمداران نظم نوین جهانی هر مبارزه حق طلبانه ای که در چارچوب منافع آنان نگنجد هم ردیف تروریسم قرار می گیرد و کل ادوات نظامی و سیاسی فوق مدرن خود را برای سرکوبی آن به حرکت در می آورند. حتی اگر هدف آن سوی اقیانوسها باشد. زمانه جهان گشایان گذشته است. امروزه "تکنولوژی" حرف اول را می زند. حکومت های مقتدر به سلاح های نظامی و سیاسی پیشرفته ای مجهز گشته اند که کشورهای به اصطلاح تروریست را در کمتر از یک ماه به زیر سلطه خویش می کشند. و ملت هایی که برای مقابله با این بلایای دست ساخته بشر چاره ای نیاندیشند زیر چرخ ارابه های آنان له خواهند شد.

تنها راه نجات جهانیان و به ویژه ملل ضعیف از "دموکراسی" خمیلی قدرتمداران و زاندارم های منطقه ای و فرمانطقه ای آنان اتحاد اصولی و رفع موانع موجود مابین حاکمین و تابعین کشورها از طریق برقراری ارتباط صحیح و احترام به اصول و ارزش های انسانی از طرف دولت ها و نیز همیاری مردم در راه رسیدن سریعتر به استقلال سیاسی اقتصادی است.

همیشه باید بیاد داشت. که تاریخ به هیچ ملتی رحم نکرده است. و تنها مللی زنده می ماند که رسم مبارزه را از یاد نمی برند.

جهان در طوفان نابرابری

بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹، دارائی سه تن از ثروتمندان جهان بیش از دارائی ۱۰۰ میلیون نفر از جمعیت کره زمین است که در ۳۵ کشور فقیر جهان بسر می برند. در این بین ارزش سهام شرکت "میکروسافت" (Microsoft) بیش از درآمد ناخالص ملی چهار کشور هندوستان، پاکستان، بنگلادش و نیجریه با جمعیتی بالغ بر ۱/۳ میلیارد نفر می باشد.

به این ترتیب برای حفظ حیات فقرا ایده ارائه وام های بین المللی پیش کشیده می شود. ۲۶۵ میلیارد دلار وام جهانی اختصاص یافته در سال ۱۹۷۵، در سال ۱۹۹۴ به ۴/۲ تریلیون دلار رسیده و کشورهای متعددی را در بدهی های سرسام آور غوطه ور ساخت. در چنین شرایطی چنین مدرکی نمی تواند حیرت انگیز نباشد که در حال حاضر درآمد سرانه ۸۰ کشور کمتر از ده سال پیش است.

دولت ها و جوامع

اوضاع جهان، پیرامون وضعیت اقتصادی کشورهای غنی و صنعتی چه تصویری را به ما ارائه می دهد؟

بر اساس آمار سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۹، دارائی سه تن از ثروتمندان جهان بیش از دارائی ۱۰۰ میلیون نفر از جمعیت کره زمین است که در ۳۵ کشور فقیر جهان بسر می برند. در این بین ارزش سهام شرکت "میکروسافت" (Microsoft) بیش از درآمد ناخالص ملی چهار کشور هندوستان، پاکستان، بنگلادش و نیجریه با جمعیتی بالغ بر ۱/۳ میلیارد نفر می باشد.

۲۰۰ تن از سرمایه داران معروف جهان تنها طی چهار سال (۹۸ - ۱۹۹۴) توانستند صد در صد بر دارائی خود افزوده و ثروت خود را به یک تریلیون دلار برسانند. این مبلغ برابر است با جمع کل درآمد ناخالص ملی کشورهای سوئد، اتریش، دانمارک، نروژ، یونان، ایرلند و پرتغال. این در شرایطی است که بر اساس آمارهای منتشره از سوی بانک جهانی تعداد ۲/۸ میلیارد نفر (حدود نیمی از جمعیت جهان) روزانه با حقوقی کمتر از دو دلار امرار معاش می کنند و ۱/۲ میلیارد از آنان با دریافت روزانه کمتر از یک دلار حقوق در شرایط فقر مطلق بسر می برند.

درآمد ناخالص ملی ۵۰ درصد از جمعیت فقیر کره زمین تنها ۱ درصد از کل درآمد ناخالصی ملی جهان را شامل می گردد. حال آنکه ۱۵ درصد از ثروتمندان ۸۰ درصد این ثروت را به خود اختصاص داده اند.

نابرابری تنها به کشورهای فقیر و غنی محدود نمی شود، بلکه پیامد هایی جدی در خود کشورهای توسعه یافته به دنبال داشته است. ۱۸ درصد از آمریکایی ها اعلام نموده اند که در پی جهانی شدن حقوق آنان کاهش یافته است.

وزارت اقتصاد آمریکا بر اساس مطالعات و نظر سنجی های انجام یافته اعلام نموده است، سالانه بر اثر کاهش یک میلیون شغل در ایالات متحده به همین مقدار شاغل، بیکار می گردند. حال آنکه این کشور خود بزرگترین استفاده کننده از امر جهانی شدن است. بر مبنای همین مطالعات، هنگامی که این شهروندان آمریکایی دوباره شاغل می شوند با حدود ۱ درصد کاهش در دستمزد مواجه می گردند.

به اعتقاد محقق آمریکایی "جی مازور"، "گلوبالیسم بی ثباتی ها و نابرابری های خطرناکی را به ارمغان آورده است. گلوبالیسم زبان های عدیده ای را برای جهان و سود سرشاری برای افرادی انگشت شمار در پی دارد..."

علیرغم رشد مشهود در اقتصاد آمریکا پس از دهه ۶۰ میلادی.

گلوبالیسم به شکاف عمق می بخشد

مقایسه انباشت دارائی جمعیت ۲۰ درصد از اقشار ثروتمند و فقیر جهان طی سال های ۱۹۹۷ - ۱۹۱۳ به صورت کاملاً آشکاری شدت عمق شکاف ایجاد شده را نشان می دهد.

در سال ۱۹۱۳ در مقابل ۱۱ واحد ثروت انباشته شده توسط قشر ثروتمند یک واحد به قشر فقیر می رسید. در سال ۱۹۶۰ این رقم به ۳۰ در مقابل یک رسید و در سال ۱۹۹۷ به رقم شگفت آور ۷۴ در برابر یک افزایش یافت. به همین دلیل نیز نمونه برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی، به مورد قابل توجه ای برای تحقیق در امر گلوبالیسم مبدل شده است.

در همایش سران کشورها در سازمان ملل متحد که اختصاص به مسئله نژاد پرستی (راسیسم) داشت، رویارویی شمال ثروتمند و جنوب فقیر، تلاشی از سوی کشورهای کم رشد بود. تلاش بازرسی جهت ایجاد توازن در اوضاع اسفناک اقتصاد در عرصه جهانی عدم توازن که گلوبالیسم به آن شدت بی سابقه ای بخشیده است.

اما بانک ها که تا این اواخر "منبع ثروتمند شدن" مردم معرفی می شدند. امروزه به یکی از شاخص های مهم جهانی شدن مبدل شده اند. حقیقت امر این است، که بلا انقطاع ثروت از طرف کشورهای فقیر به سمت کشورهای غنی و صنعتی سرازیر می شود.

دلیل این امر انزوای کشورهای فقیر در برابر اقتصاد جهانی نیست، بلکه با کمی دقت می توان مشاهده نمود، کشورهای افریقایی حتی در مقایسه با ایالات متحده، آلمان و ژاپن، درهای خود را بر روی اقتصاد جهانی بیشتر گشوده اند. با این حال وضعیت آنان بهبود نمی یابد. زیرا تنها یک درصد از سود حاصل از سرمایه گذاری در این کشورها به آنان تعلق می یابد. در حالی که سهم کشورهای غنی ۶۸ درصد است.

آمریکائیان با اینکه در اثر امر جهانی شدن در بهترین شرایط ممکن قرار دارند، از آمار ارائه شده بنگاه های نظر سنجی گنج شده اند. آن ها با حیرت متوجه گشته اند، که علیرغم رشد قابل ملاحظه اقتصادی کشور طی ده سال اخیر شرایط زندگی طبقه متوسط در ایالات متحده هیچگاه بهبود نیافته است.

از سویی در اقصی نقاط جهان همه از تهدید محتمل سقوط اقتصاد جهانی نگرانند. سقوطی که مسوولیت ابعاد آن متوجه "گلوبالیسم" است.

در اینجا این سؤال اساسی مطرح است. بدینسان چه کسانی از "گلوبالیسم" سود عایدشان می گردد؟

نتیجه نظر سنجی روزنامه فرانسوی "لوموند" با شهروندان این کشور حاکی از آن است که تنها یک درصد از مصاحبه شوندگان با جهانی شدن موافق اند. ۵۵ درصد بر این اعتقادند که جهانی شدن تنها به نفع شرکت های چند ملیتی است و ۶۵ درصد نیز اظهار داشتند که جهانی شدن شکاف میان طبقات اجتماعی را عمق می بخشد.

۲۰۰ تن از سرمایه داران معروف جهان تنها طی چهار سال (۹۸-۱۹۹۴) توانستند صد در صد بر دارایی خود افزوده و ثروت خود را به يك تریلیون دلار برسانند. این مبلغ برابر است با جمع کل درآمد ناخالص ملی کشورهای سوئد، اتریش، دانمارک، نروژ، یونان، ایرلند و پرتغال.

دستمزدها رشد ناچیزی داشته اند. نابرابری سطح دستمزدها در ایالات متحده غیر قابل باور است. يك مدیر میان پایه ۴ تا ۶ برابر بیشتر از يك کارگر شاغل حقوق دریافت می نماید.

بدین ترتیب اتفاقی نیست که در جواب سؤال روزنامه فرانسوی "اکسپانسیون" که پرسیده بود، "آیا موافق یا مخالف جهانی شدن هستید؟" ۶۹ درصد از سهامداران، ۶۱ درصد از ائتلاف طبیف فوقانی و متمول جامعه و ۶۳ درصد از کارخانه داران و کارفرمایان موافق "گلوبالیسم" بوده اند. لیکن در مقابل ۷۹ درصد از کشاورزان، ۶۴ درصد از کارگران و کارمندان و ۵۸ درصد از بازنشستگان مخالف این امر هستند.



در ازای ۶۸ درصد سود حاصل از سرمایه گذاری در کشورهای توسعه نیافته که نصیب کشورهای غنی می شود، سهم کشورهای توسعه نیافته ای که سرمایه گذاری در آن انجام می یابد، تنها یک درصد است، زیرا تنها یک درصد از سود حاصل از سرمایه گذاری ها به این کشورها تعلق می یابد.

بانک ها و مراکز بورس

در بازار جهانی بانک ها، گردش آزاد سرمایه پیامد های وخیم و وحشتناکی در زندگی مردم بر جای گذاشته است. مشهودترین نمونه آن بحران اقتصادی ۱۹۹۸ - ۱۹۹۷ جنوب شرقی آسیا بود که از شرق دور همچون تیفوس به اروپا سرایت نموده و همه چیز را با خاک یکسان نمود. بر اساس تحقیقات به عمل آمده از سوی سازمان ملل در پی بحران مالی بانک های جنوب شرق آسیا، تولید جهانی زبانی بالغ بر دو تریلیون دلار را متحمل گشت.

از آغاز سال ۲۰۰۰ تا به امروز در سطح جهانی بر اثر کاهش ۲۸ درصد از بهای حدود يك میلیون سهم، که مبلغی بالغ بر ده تریلیون دلار سرمایه بانکی است، خسارت اقتصادی - اجتماعی فراوانی بخصوص بر اقشار میانی تعدادی از جوامع کشورهای اروپایی و آسیایی وارد آمده است.

ماهنامه آلمانی "اشپیگل" طی مقاله ای می نویسد: "اینک چهره دیگر جهانی شدن مشهود است. هنگامی که در مقابل ورود آهسته سرمایه در يك کشور، بنیه اقتصادی آن کشور سریعاً متزلزل گشته، کل اقتصاد آن سقوط کرده و دچار بحران می گردد.

"رابرت ساموئل سون" محقق آمریکایی، طی مقاله ای در هفته نامه "نیوزویک" اعتقاد بر این امر دارد، که "سرمایه بین المللی باعث بی ثباتی اقتصاد کشورهای کوچک گشته و منافع هنگفتی را عاید سرمایه گذاران کشورهای مرفه می گرداند".

"رابرت کادنز" اقتصاد دان برجسته آمریکایی طی مقاله ای در "نیویورک تایمز" پرستش بازار لجام گسیخته کنونی را بزرگترین خود فریبی می نامد. وی بر این امر تأکید می ورزد، که "حدود نیم قرن پیش کشورهای غربی به این نتیجه رسیدند، که اقتصاد بازار آزاد می باید کنترل گشته و با يك جامعه حقوقی، متعادل و با ارزش متناسب گردد. لیکن بحران ناشی از بیکاری دهه ۷۰، ظهور سازمان یافته سرمایه گذاران به عنوان يك وزنه سیاسی و سرانجام فروپاشی کمونیزم باعث رستاخیز دگربر اندیشه بی اساس بازارهای ناب گشت".

خطر انفجار

نمی توان بر این اسناد و مدارک مستند شك نمود، که نمونه "گلوبالیسم" کنونی در تمامی عرصه ها باعث عمق و گسترش نابرابری ها گشته و در عین حال نه فقط پیامدهای منفی برای اقشار مختلف جوامع در بردارد، بلکه تأثیر سوء آن بر کل ساختار کشورها بر جای می ماند. اشاره به رشد محدود، آنهم طی يك فاصله زمانی بسیار کوتاه در چند کشور قادر نیست تا تصویر کلی اوضاع را تغییر دهد. حاکمیت اجتماعی در حال فروپاشی است. تمامی برنامه های اجتماعی یکی در پی دیگری برچیده می گردند، زیرا مدعی هستند، "گلوبالیسم" در اقتصاد جهانی غیر قابل رقابت است.

روابط کاری فقط بر اساس يك پیش شرط شکل می یابد. استعدادها محدود منزوی گشته، کشورهای بیشماری از مدار توجه خارج می مانند و بدین ترتیب میلیاردها انسان به "زیاله دان اجتماعی" رانده می شوند.

ادامه چنین روندی ناگزیر باعث برخوردهای اجتماعی گشته و به این رویارویی ها ابعاد و حدت بیشتری می بخشد، که نمونه بارز آن وقایع "سیاتل"، "گیوتنبورگ"، "جنوا"، "سویل" .. و "ژوهانسبوگ" می باشد.

مسروپ آلبیان دانشجوی رشته علوم سیاسی دانشگاه آتن،

ترجمه: آندره آ.

سپتامبر ۲۰۰۲



خانم ژانت لازاریان
مدیر گالری "لازار"

آخرین روزهای سال ۸۱ در گالری "لازار" جنب و جوش خاصی برپا بود. علاقمندان هنر نقاشی برای بازدید از کارهای چهره های شناخته شده و نیز ناآشنای این عرصه در اینجا گرد آمده بودند تا تازه های ارائه شده را به نظاره بایستند.

خانم "ژانت لازاریان" مدیر گالری، خود شخصاً از يك يك مدعوین استقبال می کند و به معرفی هنرمندان می پردازد.

خانم لازاریان که چهره ای شناخته شده در میان خبرنگاران است از دیرباز علاقه وافری به هنر و ارائه تازه های آن داشته و به قول خودش زیباترین بخش کار وی آن است که در کنار چهره های نام آشنای عرصه هنر آماتورهای رشته های مختلف را نیز مطرح کرده و "اولین در را در مقابل آنان می گشاید تا وارد صحنه قیاس شوند و مخاطب و منتقد خود را رودر رو ببینند تا ضمن پی بردن به نقصان های کاری خویش با گام هایی استوارتر به سوی آینده قدم بگذارند.

لازاریان می گوید: هر گالری دار جدای از مباحث مغازه داری در عرصه فرهنگ و ارائه آن رسالتی بر خود دارد اما اینکه چقدر در این راه بتواند انجام وظیفه کند مسئله ای کاملاً مجزا است. و می افزاید: ارائه هنر عشق می خواهد والا جز زحمت و دغدغه نیست.

گفتگویی کوتاه با چند هنرمند

کنم با به مرد ایرانی ازدواج کردم. علاقمند بودم به کارهای هنری اول با کلاژ شروع کردم البته نقاشی بعداً کلاژ:

بعد با تشویق پسرمد آمدم همین کارها را توسط کامپیوتر به عنوان ابزاری برای نقاشی استفاده کردیم. به خاطر اینکه محیط و فضای کمتری می خواست و ریخت و پاش کمتری دارد و غیره.

— به واسطه کارتان با کامپیوتر آشنا شدید؟
— نه آشنا بودم با کامپیوتر کارهایی انجام می دادم ولی خوب انتخاب نکرده بودم که حتماً کارم را با کامپیوتر انجام بدهم.

— شما کار را اول در ذهن می پروراندید یا به نوعی از فیلترهای کامپیوتر استفاده می کنید؟

— حتماً تو فکرم هست. به کارهای من نگاه کنید اصلاً فیلتر کامپیوتری تقریباً استفاده نشده. اینها همه زائیده فکر است. اصلاً نقاشی کامپیوتری به نظر من با نقاشی معمولی از نظر فکری فرق نمی کند. فقط چگونگی اجرای کار فرق می کند و اگر نه فکر است. منتهی من توسط کامپیوتر این فکرها را پیاده کردم.

— شما اگر بخواهید خودتان را به لحاظ هنری معرفی کنید چه خواهید گفت؟ یعنی نوع کارتان. تکنیک کارتان. نحوه اجرای آن. و بالاخره اینکه اصولاً با کارتان خودتان را فقط ارضاء می کنید یا در نظر دارید چیزی هم به مخاطبتان ارائه کنید؟

هر دو تانش هم هست. اولاً اینکه خودم ارضاء می شوم دوم این که دوست دارم پیغام هایی را به مخاطب بدهم. حالا چه جور و چقدر مخاطب می تواند درک کند یا نه نمی داند. در ایران کلاً کارهای کامپیوتری زیاد جا نیافتاده است و بیشتر کارهای دستی را می پسندند البته من خودم هم قبول دارم که کارهای دستی بهتر است ولی به خاطر مشکلاتی که داشتم از جمله کمی فضا و غیره به همین خاطر رو آوردم به کامپیوتر و می توانم بگم از نظر کاری مرا ارضاء می کند. از نظر نوع کاری هم فکر می کنم که آبیستراکت باشد.

— این چندمین حضورتان در نمایشگاه است؟
— اولین.

— فکر می کنید مخاطب به راحتی می تواند با کنم ←

خیلی آدم تکرو و منفرد و به قول فرانسوی ها سولیتر هستم.

— در پاسخ به اینکه آیا مخاطب می تواند با کارتان ارتباط برقرار کند؟

خانم اتحادیه می گوید: این را خودتان که يك مخاطب هستید بگوئید. من این کار را اجرا می کنم و می روم کنار این بیننده است که باید بیاید و درباره آن نظر دهد من که نمی توانم به جای دو نفر کار کنم.

پس از آن به کارهایی از خانم "گلتن جدد" بر می خوریم او رومانی الاصل است اما فارسی را بسیار روان و شیرین صحبت می کند. از او می خواهیم خودش را معرفی کند.



گلتن جدد

می گوید: گلتن جدد هستم. متولد بخارست. رومانی. سی و سه سال دارم. در ایران دارم زندگی می



شیرین اتحادیه

...قدم به گالری می گذاریم و اولین تابلوها را از نظر می گذرانیم. کارهایی از خانم "شیرین اتحادیه" که بیشتر به دنیای درونی خود می پردازد تا اطراف. با او هم صحبت می شویم.

از بیست و چهار پنج سال پیش نقاشی می کنم. اول بیشتر با پاستل طراحی می کردم چون همیشه علاقه ام به رنگ بوده است. طراحی هایم هم همیشه رنگی بوده است. و از چیزهایی که دور و برم بوده نشأت گرفته است مثل یکی حیاط. يك حوض و يك سبزه انعکاس درخت ها توی حوض و یا یکسری گلدان و يك پنجره و آینه ای که باد آنرا شکسته و انعکاس های توی آینه... ده سال از بیرون کار کردم بعداً شروع کردم به يك سری کلاژ و از اجناس دیگر کمک گرفتن و به طور کلی ذهنی تر کار کردن...

— او خود را در وادی هنر معترض نمی داند و می گوید: من چندان در راه اجتماعی قدم نمی گذارم. خیلی

کارهای خانم بیتا وکیلی آرامشی خاص در خود نهفته دارند که خود از تواضع صاحب آثار نیز سخن می گویند. به قول خودش کارهایش بیشتر زائیده تراوشات فکری است. یعنی برداشت ذهنی از طبیعت است. از او می پرسیم: معمولاً چه اوقات به کار می پردازید؟

می گوید: کلاً من از عصر به بعد راحت تر هستم. احساس آرامش بیشتری دارم آن طور که نسبت به فصل ها این احساس را دارم مثلاً در پاییز و زمستان راحت تر هستم تا تابستان و بهار.

او در مورد اینکه آیا مخاطبانش می توانند با کارهایش ارتباط برقرار کنند میگوید: سعی من این است که نهایت چیزی که ارائه می شود حداقل از بابت خودم صادقانه باشد نتیجه اش هم تا حالا آن طوری که بازید کننده ها منعکس کرده اند بد نبوده و تا به حدی هم از توقع من بیشتر بوده و در نمایشگاه هایی که تا حالا داشته ام بازید کننده ها به راحتی با کارهای من ارتباط برقرار کرده اند. البته معمولاً من سؤال نمی کنم. ولی خیلی ها به من می گویند. خودشان پیشقدم می شوند برای اینکه برداشتی را که داشته اند توضیح بدهند. من معتمد نقاشی به کلام احتیاج ندارم. یعنی همان حسی که برقرار می شود اگر آدم یک مقداری دقیقتر باشد و قدرت دریافتش را داشته باشد می تواند بفهمد که روی مخاطب تأثیر گذاشته یا نه و حتی اگر آنها هم نخواهند بگویند که تأثیر گذاشته نشان می دهند که چه اثری رویشان گذاشته مگر اینکه آن خلوص در بین نباشد. ولی وقتی هست دیگر نمی شود چیزی را پنهان کرد.

– اگر بیننده نقاشی دائماً دنبال شما می گردد احتمالاً یا مشکل داشته و یا واقعاً می خواهد بداند آن چیزی را که خودش درک کرده همان چیزی است که شما مدنظر داشته اید یا نه؟

– بله مطمئناً همین طور است. اگر بیننده کار را درک نکرده باشد مسلماً خودش سؤال می کند من هم تا جایی که ممکن باشد برایش توضیح می دهم ولی اگر درک کرده در آن صورت نیازی به توضیح دادن ندارد. البته معمولاً این مباحثه ای را که شما می گویند کمتر پیش می آید و مواردی هم که پیش می آید معمولاً از سوی منتقدین است. اشخاصی که کلاً منتقد کارهای جدید هستند و عمده بحث آنان این است که اگر قرار است طبیعت باشد. چرا حالت انتزاعی آن کم است. ولی برای من خیلی مهم نیست نه اینکه نظر بیننده مهم نباشد اما مهم این است که اکثریت بتوانند با کار ارتباط برقرار کنند.

– در کارتان جز چهره های معترض هستید؟
– هفت هشت سال پیش چرا ولی الآن اصلاً خوب موقعی. شرایط سنی حکم می کند که آدم به طور کل نسبت به همه چیز جامعه، خانواده معترض باشد. ولی گذشت زمان و تجربه های متفاوت زندگی و تجربه زندگی کردن در کشورهای دیگر به آدم می آموزد که انعطاف پذیرتر باشد و تا حدی شرایط را قبول کرده و با آن بسازد. به هر حال نمیشود جنگید. همه جا مشکلات هست باید آدمی راهش را پیدا بکند و جلو برود.

و در آخر کارهای آرموند آیوازیان حضار را به اندیشیدن درباره کارهایش دعوت می کند. کارهایی که بسیاری از ما ممکن است داستانی برای آن در ذهن داشته باشیم به



کوروش شیشنه گران

هم زحمت بکشید او هم آموزش ببیند. ببینید کار هنری دو تا جنبه دارد. بیننده کمتر از هنرمند نیست. و ما دنبال چنین بیننده هایی می گردیم که وقتی هنرمند ابتکاری به خرج می دهد خلاقیتی به خرج می دهد آن را بگیرد.

می پرسیم: در آقای شیشنه گران به عنوان یک هنرمند چهره معترض هم وجود دارد؟

می گوید: بله من کارهای مختلفی دارم شما پوستره های اوائل انقلاب یادتان هست خوب آن پوسترها چه جوری بگم به به جایی باریک کشیده شد. کارهای دیگری دارم که اجازه نمایش ندارند. کارهایی که فقط شما می بینید که اجازه دارم بیارم روی دیوار ولی کارهایی هم دارم که اجازه ندارم بیارم روی دیوار یا خودم نمی برم به عنوان یک نوع خودسانسوری.

آقای شیشنه گران شما معمولاً چه اوقاتی را بیشتر به نقاشی می پردازید اوقاتی که آزاد هستید یا اوقاتی را که حس می کنید باید به نقاشی پردازید؟

ببینید من همیشه حس می کنم که باید به نقاشی پردازم منتهی گاهی نمی شود. برای من نقاشی کردن آسانتر از نقاشی نکردن است نقاشی نکردن سخت است. نقاشی کردن آسان است.



بیتا وکیلی

کارهایتان ارتباط برقرار بکند؟
– نمی دهم آن را باید از مخاطب پرسید. چون این اولین تجربه من است نمی توانم چیزی بگویم.

سپس به کارهای آقای کوروش شیشنه گران می رسیم که نامی شناخته شده در عرصه بین الملل است وی فارغ التحصیل هنرستان در رشته نقاشی. مجسمه و گرافیک و نیز دانشکده هنرهای تزئینی است. تاکنون ده نمایشگاه فردی و تقریباً ۵۰ نمایشگاه جمعی در ایران و خارج از ایران از جمله سوئیس، ایتالیا، انگلستان و اکثر کشورهای اروپایی و نیز ایالات متحده آمریکا داشته است. او در مورد نوع کارش می گوید: این شیوه کاری را که می بینید از سال ۵۲-۵۱ فرم گرفته و تا الآن ادامه دارد. آن سبک و تکنیکی بوده که خودم به آن رسیده ام. یعنی من خودم جایی به این شکل ندیدم.

از او پرسیدیم جدای از معرفی شناسنامه ای خودتان را از لحاظ هنر چگونه معرفی می کنید. آن چه را در درون دارید یا آن احساسی را که روی تابلو می آورید؟ می گوید: این سؤال مشکلی است. یعنی سهل متنع است. ولی معمولاً هنرمند را دیگران بررسی و درباره اش صحبت می کنند. در مورد کارهای من نیز چهره های خارجی و داخلی نظر داده اند که بهتر است من نظر آنها را بگویم نه نظر خودم را. آنها معتقد هستند که یک نقاشی مدرن که در عین حال پایه اش. ریشه اش در ایران است را دیده اند. البته رسیدن به چنین نقاشی مشکل بوده. این راهی بوده که من رفته ام و هدفم این بوده که اگر نقاشی مدرنی ارائه کنم که ریشه اش از فرهنگ خودمان باشد. که این راه را دنبال کردم یعنی یک آمریکائی وقتی مثلاً می آید کارم را می بیند می فهمد که این کار در عین حال که مدرن است در همان حال ایرانی است این کاری بوده که خیلی خیلی برای من مشکل بوده ولی این را دنبال کردم و مقدار زیادی هم بهش رسیده ام.

– به نظر می آید از کارهایتان بیشتر کسانی سر در می آورند و با آن ارتباط برقرار می کنند که با این نوع سبک کارها آشنایی دارند.

– نمی شود گفت. شاید بهتر است بگوئیم آنانکه هنر شناسند. هنر فهمند یعنی در زندگی شان به نوعی با هنر سر و کار داشته اند. به نقاشی های من علاقه نشان می دهند. اما در مورد ارتباط برقرار کردن باید بگویم. ببینید من نمی توانم بگویم که مثلاً سی سال کار می کنم زحمت می کشم مطالعه می کنم. تا به یک جا کارها را برسانم بعد بیننده اولین بار که آمد بگیرد نه چنین نیست که وقتی آمد نمایشگاه را دید بلافاصله بگیرد مگر هنر راحت الحلقوم است. باید او با

«دانشنامه ایرانیان ارمنی» منتشر شد

در هر حال آنچه نا گفته پیداست اینکه «دانشنامه ایرانیان ارمنی» را نه عنوان یک رمان و داستان باید اتباع نمود بلکه آن کتابی است که همچون یک فرهنگ هر از گاهی برای یافتن برخی اطلاعات باید به آن رجوع نمود.



«دانشنامه ایرانیان ارمنی» کتابی است مرجع در مورد چهره های بنام گذشته و حال. ارامنه ایران که به کوشش خانم زاننت لازاریان گردآوری شده و در سی فصل توسط سازمان گفتگوی تمدنها در انتشارات هیرمند به زیور چاپ آراسته شده و اینک در دست رس علاقمندان است.

این کتاب که در سه هزار نسخه به چاپ رسیده حاوی اطلاعات مختصری در مورد تاریخ اجتماعی، اقتصادی ارامنه معاصر و جغرافیای تاریخی ارمنستان و نیز شرح حال مشاهیر ارمنی ایران که در کارهای مختلف سیاسی، مذهبی و اجتماعی فعال بوده اند می باشد. لازاریان خود در مورد نحوه آغاز کار تدوین کتاب می نویسد: «از آنجا که خانم اریکا میکائیلیان (بوقوسیان) مشغول جمع آوری اطلاعاتی به زبان ارمنی برای چنین کتابی بود، ضمن تماس با ایشان و همفکری با سایر دوستان صاحب نظر در این مورد، گروهی به وجود آمد تا کار تدوین کتاب را انجام دهیم و جلسه ای با حضور نمایندگان نهادها و مراکز مربوط به ارامنه در «مرکز گفتگوی تمدنها تشکیل گردید و در ارتباط با چگونگی تألیف کتاب بحث و تبادل نظر شد».

او در مقدمه کتاب از کلیه نهادها، نشریات، گروه ها و افرادی که به نحوی در انجام این کار وی را یاری کرده اند تشکر نموده و تأکید نموده است: «در کتاب حاضر اولاً به شخصیت ها بیشتر از جهت عملکرد آنها در جامعه پرداخته شده است و نه افکار اجتماعی سیاسی آنها. ثانیاً در برخی بخش ها به علت کثرت شخصیت های ممتاز به ناچار از میان آنها تعدادی با اکثریت آرا انتخاب و به مصداق «مشت نمونه خروار» معرفی شده اند. ثالثاً با توجه به محدود بودن صفحات، بیشتر

به معرفی نسل های گذشته پرداخته ایم که مانند سنگ بنایی است و امیدواریم در جلد های تکمیلی جوان ترها نیز مورد توجه قرار گرفته و معرفی گردند».

و این کار سنگین را خانم لازاریان با یاری محققین محترمی چون شادروان سرهنگ امیل هاکوپیان، آقای لئون میناسیان، خانم اریکا میکائیلیان و دیگران به انجام رسانده که جا دارد از زحمات يك يك آنان قدر دانی شود.

در هر حال آنچه نا گفته پیداست اینکه «دانشنامه ایرانیان ارمنی» را نه عنوان يك رمان و داستان باید اتباع نمود بلکه آن کتابی است که همچون يك فرهنگ هر از گاهی برای یافتن برخی اطلاعات باید به آن رجوع نمود.

گفتگو با چند هنرمند...

اما نوع ارائه آیوازیان تازگی خاصی در خود دارد که مخاطبش را خواه ناخواه به فکر وا می دارد. آرموند آیوازیان در سال ۱۳۴۳ در تهران متولد شده است. فارغ التحصیل رشته نقاشی است و ۱۴ سال است که در حیطه هنر و گرافیک فعالیت دارد و در واقع نزد او کار و هنر باهم ادغام شده اند.

از او می پرسیم تو خود را در دایره هنر چگونه معرفی می کنی. تو کیستی؟

می گوید: این سؤال بسیار مشکلی است. چرا که من نیز هنوز به دنبال پاسخ آن هستم. یعنی واقعاً نمی دانم. یا شاید بهتر باشد بگویم من به این شکل فکر نمی کنم. برای من تصورات ذهنی و نیز ایده ای که توسط آن قادر باشید افکار مرکب را با ساده ترین روش ها به مخاطب ارائه کنید مهم تر است. او کارهای خود را «Conceptual» (تصورات ذهنی) می نامد. که بخشی از آن نیز دارای سمبل ها و نیز مخلوطی از اکسپرسیونیسم است.

وجود مرز بین نیکی و شر در برخی کارهای آیوازیان ما را بر آن داشت تا در این باره از وی جویا شویم. و او در این باره گفت: در هر جا که این تضاد حضور داشته باشد این مرزبندی نیز وجود دارد مثل «شام آخر» یا دیگر موارد و به ویژه در کارهایی که ریشه مذهبی دارند اما در غیر آن چنین نیست.

وی در مورد اینکه آیا قادر به ارتباط برقرار کردن با مخاطبش هست یا نه می گوید: این مسئله ای است که بدان هرم اجتماعی می گویند. که در رأس آن هنرمند و روشنفکر ایستاده است که در آن مقطعی وجود دارد که روشنفکر فقط خود قادر به درک خویشتن است. البته من هنوز به چنان سطحی نرسیده ام (می خندد). و اگر به گذشته بنگریم خواهیم دید که کارهای بسیاری از چهره های بنام هنر را جامعه سال ها پس از فقدانشان درک کرده است. و من نیز این راه را می پیمایم و مشخصه کار من این است که مخاطب و بیننده را به اندیشیدن وا می دارد. و هر چند ارتباط با فعالان هنری بسیار راحت تر است. اما اجتماع نیز روش های بسیار ساده ای را برای اندیشیدن و رسیدن به مفاهیم دارد و روش تعقل آن بسیار ساده تر است. آیوازیان کارهایش را عمدتاً زائیده تصورات ذهنی خود می داند که معمولاً به صورت ناخودآگاه در افکار او تمرکز یافته و خودنمایی می کنند. او می گوید آنچه به عنوان نتیجه يك کار حاصل می شود پیامد يك اندیشه ساده نیست بلکه ریشه در گذشته دارد. چنانچه می توانم بگویم آنچه را ارائه می کنم گویی قبلاً دیده ام.

او می گوید: همیشه روش کار من چنین بوده است. یعنی يك کار را قبلاً کاملاً در ذهن می پروردم و با تمام اجزا آن به نوعی ارتباط برقرار می کنم سپس آنها را ادغام می کنم. به همین



آرموند آیوازیان

خاطر نیز معتقدم که هنر زائیده احساسات لحظه ای نیست. بلکه باید قبلاً این احساسات در فکر اجتماع یابند. یکی شوند. پخته شوند و بعد از آن است که به مرحله ارائه می رسند.

برای مثال چمدان استفاده شده در این کار را ببینید. من آنرا ۱۷ سال پیش از خیابان پیدا کرده و آنرا نگه داشته ام. اما برای چه؟ نمی دانستم. و یا دو بر چسب «بیمه امید» که در این کار آورده شده را وقتی ۱۸-۱۷ ساله بودم یافته ام و پس از سال ها بر این تابلو چسبانده ام و شما اینک می بینید که به چه سان با دو کودک حاضر در کار ارتباط برقرار کرده اند. به همین خاطر است که می گویم معمولاً ضمیر ناخودآگاه در این امر حاکم است. چرا که برخی مسائل در ذهن آدمی به صورت ناخودآگاه جمع شده و باهم ترکیب می شوند و در آخر به يك کار هنری بدل می گردند.



متن زیر خلاصه مقاله ای است به قلم «برنار لوئیس» شرقشناس صهیونیست اهل فرانسه که در ۲۷ دسامبر سال گذشته میلادی در هفته نامه «الوطن العربی» به چاپ رسیده است.
 برنار لوئیس شرقشناس و «روشنفکر صهیونیست از مخالفان سرسخت به رسمیت شناختن قتل عام ارامنه می باشد و دائماً در تلاش است تا دولت ترکیه را در مجامع بین المللی تبرئه نماید. او چند سال پیش توسط ارامنه فرانسه به اتهام کتمان واقعیت قتل عام ارامنه به دادگاه کشیده شده و محکوم گردید، اما علی رغم آن چون دشمنی قسم خورده علیه ارامنه فعالیت می کند.

طرح برنار لوئیس برای تقسیم جهان اسلام

آن می شود. اگر مصر تفکیک شود، دیگر کشورها همچون لیبی و سودان و نیز حکومت های دور و نزدیک آن در وضعیت کنونی خود نخواهند ماند، بلکه آنها نیز در پی این روند قطعه قطعه خواهند شد. و دلیل افزایش نفرت سیستم حکومتی آمریکا از کشور مصر را در اینجا می توان دید.

تقسیم سودان به دو بخش شمالی و جنوبی برای تشکیل:

حکومت مستقل سیاه پوستان در جنوب

و حکومتی عربی در شمال

- جغرافیای سیاسی غرب عربی نیز مورد بازنگری قرار خواهد گرفت، که بنابر تقسیم قومی-عشیره ای برای بربرها، بیش از یک حکومت تشکیل می گردد.

همچنین وحدت حکومت موریتانی در جنگ های داخلی عرب ها، سیاهان و موریت ها مورد بازنگری قرار خواهد گرفت.

بعد از این برنامه، که در نقشه تفکیک ۱۹۱۶ سایکس-پیکو بیش از ۳۰ حکومت دینی، مذهبی و ملی اضافه می شود. برنار لوئیس می افزاید، نقشه جغرافیای فعلی واقعیت را نشان نمی دهد و آنچه در ظاهر دیده می شود با عمق مسئله کاملاً در تضاد است. در ظاهر حکومت های مستقل سیاسی وجود دارند ولی در اصل تجمع اقلیت هایی است که خود را در این حکومت ها نه تنها شریک نمی دانند بلکه هیچ انتظاری نیز برای بدست آوردن ابتدایی ترین حقوق خود توسط آن ها ندارند.

برنار لوئیس هدف خود را از تهیه این طرح چنین توضیح می دهد که: «به نظر اسرائیلی ها حکومت های کوچک فوق الذکر نه تنها قادر به اتحاد با یکدیگر نخواهند بود بلکه همیشه نسبت به هم در وضعیت قهرآمیز قرار خواهند داشت. آن ها همیشه بر سر مسائل مرزی، راه ها، آب، نفت، ازدواج، وراثت و غیره اختلاف خواهند داشت. و با در نظر گرفتن این واقعیت که هر کدام از این حکومت ها از اسرائیل ضعیف تر خواهد بود، بدین طریق موجودیت اسرائیل حداقل برای نیم قرن تضمین خواهد شد.»

حکومتی دروزی

حکومتی علوی (مسیحی)

حکومتی سنی

- تفکیک اردن به دو بخش

یکی بدوی

دیگری فلسطینی (بدون در نظر گرفتن کرانه غربی رود اردن که باید بعداً به اسرائیل ملحق شود).



علی مریخی

شرق شناس صهیونیست در طرح خود، در مورد عربستان سعودی نیز می گوید: بهتر است این کشور به ترکیب عشیره ای- قومی خود بازگردد، همانطور که تا سال ۱۹۳۳ قبل از تشکیل پادشاهی سعودی بود تا همچون کویت، بحرین، قطر، و دیگر امیر نشین های خلیج (فارس) به صورت وزنه ای سیاسی مطرح نباشد. - در جغرافیای سیاسی لبنان نیز باید بازنگری شود، به طوری که،

یک حکومت کوچک مسیحی

یک حکومت کوچک شیعه

یک حکومت کوچک سنی

یک حکومت کوچک دروزی

و یک حکومت کوچک علوی تشکیل شود.

- مصر را حداقل باید به دو حکومت تقسیم کرد.

اولین آن اسلامی

و دومی قبطی

بر اساس این طرح صهیونیستی، تقسیم جغرافیایی مصر به مناطقی خاص جزء اهداف اصلی اسرائیل می باشد، زیرا فروپاشی آن باعث فروپاشی بزرگتری خواهد بود، که باعث ضربه زدن به حکومت های نزدیک و دور

طرح صهیونیستی تقسیم جهان اسلام صرفاً به کشورهای عربی محدود نمی شود بلکه با گسترش دامنه خود کل جهان اسلام از شبه جزیره هند تا کرانه های مراکش در اقیانوس اطلس را نیز شامل می شود.

در کنار طرح هایی که آمریکائی ها برای تقسیم جهان در سر می پروراند طرحی نیز از سوی شرق شناس صهیونیست برنار لوئیس تهیه شده که در سپتامبر سال ۱۹۹۰ در ماهنامه آتلانتیک تحت عنوان «ریشه های خشم اسلامی» به چاپ رسید. و همین طرح بود که بعدها بهانه ای شد برای «هانتینگتون» جهت نوشتن مقاله ای جنجالی تحت عنوان «پیکار تمدن ها و بازسازی نظم جهانی» که در نشریه (Foreign Affairs) به چاپ رسید.

طرح تقسیم جهان اسلام برنار لوئیس بزودی در مجله (Executive Intelligent Research Pro-ject) که ارگان وزارت دفاع ایالات متحده آمریکایی باشد نیز به چاپ رسید که در آن آمده بود.

- با الحاق بلوچستان پاکستان به منطقه بلوچ های ایران باید یک حکومت بلوچی تشکیل شود.

- بخش شمال غربی پاکستان را باید به منطقه پشتوهای افغانستان الحاق نموده و دولتی پشتویی تشکیل داد.

- مناطق کردنشین ایران، عراق و ترکیه را باید به همدیگر ملحق نموده و دولتی کردی تشکیل داد.

- با مجزا کردن مناطق کردستان و بلوچستان از ایران خود به خود پرونده تقسیم آن گشوده خواهد شد و از پی آن حکومت هایی کوچک تشکیل خواهد گردید.

حکومت کوچک ایرانستان

حکومت کوچک ترکمنستان

حکومت کوچک عربستان

- سه حکومت باید در عراق تشکیل شود.

حکومتی سنی کردی در شمال

حکومتی سنی عربی در مرکز

حکومتی شیعه عربی در جنوب

- سه یا چهار حکومت کوچک باید در سوریه تشکیل شود.

تغییر موضع



«ذرورو هانو» معاون اول وزیر امور خارجه ژاپن در پایان دیدار کوتاه مدت خود از باکو در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد. وی در این مصاحبه نتایج مذاکرات خود با «علی عسکراف»

رئیس مجلس ملی، «آ. راسی زاده» نخست وزیر، «آ. شریف اف» معاون نخست وزیر و «خ. خلف اف» معاون وزیر امور خارجه آذربایجان را رضایت بخش دانست. وی ضمن تاکید بر علاقه کشور ژاپن به خرید نفت و دیگر منابع طبیعی آذربایجان، خبر از شرکت آذربایجان در نمایشگاه بین المللی ۲۰۰۵ توکیو داد.

«هانو» در مورد موضع کشورش در رابطه با مناقشه قره باغ گفت: «ژاپن تا سال ۱۹۹۹ از موضع آذربایجان حمایت می کرد. اما پس از آن به دلیل عدم وضوح وقایع و نیز نامشخص بودن اوضاع سیاسی منطقه ما در سیاست های خود تغییراتی را ایجاد نمودیم».



تأثیر خاص

«مبارز احمد اوغلو» یکی از سیاستمداران آذربایجان به خبرگزاری «ام پی ای» اعلام کرد: «انتخابات اخیر ریاست جمهوری باعث تضعیف هر چه بیشتر ارمنستان ضعیف گردید». به گفته وی، ایروان تأثیر خاصی در اوضاع سیاسی - جغرافیایی منطقه که توسط باکو و تفلیس اعمال می شد نداشت. «احمد اوغلو» می گوید: اخیراً گرجستان نیز از موضع قبلی خود عقب نشینی کرده و به آذربایجان اجازه قرار گرفتن در جایگاه برتری را داده است. و بدین ترتیب این سیاستمدار اعلام کرده، آذربایجان، امروز در تعیین اوضاع سیاسی - جغرافیایی منطقه نقش اساسی را بر عهده دارد. به عقیده وی، در شرایط فعلی ارمنستان می تواند خطرناک باشد چرا که آن با توسل به ماجراجویی می تواند موجب نقض قرارداد آتش بس گردد. لذا آذربایجان باید آماده مقابله با این گونه حرکت ها باشد».



اعلام آمادگی

آذربایجان می تواند به بازسازی پس از جنگ در عراق کمک کند به گزارش خبرگزاری «نووستی»: «ولایت قلی اف» وزیر امور خارجه آذربایجان، در این باره به خبرنگاران در باکو گفت: این کمک رسانی در وهله اول توسط پزشکان و کارگران نفت می تواند نشان داده شود. «قلی اف» می افزاید: آذربایجان آمادگی حضور در نیروهای حافظ صلح را نیز دارد و چنانچه در آینده به کمک آن احتیاج باشد در این امر شرکت خواهد کرد.

قلی اف ضمن تأکید بر اهمیت احساس مسئولیت در قبال آثار تاریخی و ویران شدن کاخ های ریاست جمهوری عراق دل هر انسانی را می آزارد و موجب ناخشنودی می گردد.

وی یادآور شد، که آذربایجان قبلاً در مورد حمایت از اماکن مقدسه اسلامی در عراق اعلام آمادگی کرده است.



کمک های پزشکی



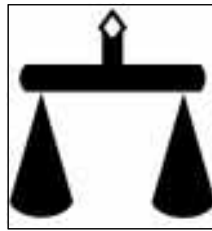
مرکز پزشکی «نورک - ماراش» با همکاری چند سازمان دارویی از جمله سازمان کمک های دارویی اتریش به ارمنه و بنیاد کمک به کودکان فلسطینی در ایروان طرحی ویژه و لازم را به انجام می رسانند. «کارن کوردو» متخصص قلب کودکان در مرکز پزشکی «نورک - ماراش» طی دیدار از کشور فلسطین در نظر دارد روابطی را در خصوص بیماران قلبی با مراکز که در این باره فعالیت دارند برقرار کند. در آنجا این جراح قلب در پی تحقیقات خود پنج کودک فلسطینی برای عمل جراحی قلب در ایروان انتخاب کرده است.

هزینه های مربوطه توسط سازمان های یاد شده بالا پرداخت خواهد شد. کلینیک قلب کودکان ارمنستان در صدد برقراری ارتباط با کشورهای همسایه در رابطه با معالجه کودکان قلبی است. این کلینیک دارای کادری ویژه و متخصص در این رشته و نیز مجهز به دستگاه های حرفه ای است و در صورت تأمین هزینه های لازم سالانه قادر به معاینه ۱۰۰۰ و جراحی ۲۵۰ کودک خارجی خواهد بود.

به گزارش خبرگزاری های ارمنستان این کلینیک در خصوص مشورت های اولیه، پذیرش و ترخیص و نیز ایجاد ارتباط های لازم به بیماران کمک خواهد کرد.



برابری دیه از سوی شورای نگهبان رد شد



شورای نگهبان پرداخت مبلغ دیه اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی را، معطوف به نظر ولی امر دانست.

بدین ترتیب پس از سال ها بحث و بررسی در مورد برابری دیه اقلیت های دینی و مسلمانان در مجلس و دیگر نهادهای ذیربط و رد آن از سوی شورای نگهبان امروز اقلیت های دینی به نظر رهبر انقلاب چشم دوخته اند و امیدوارند ایشان این شکل را برای همیشه حل کنند.

به گزارش ایرنا شورای نگهبان با ارائه نامه ای به رئیس مجلس شورای اسلامی در خصوص لایحه الحاق یک تبصره به ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ تصریح کرده است: با توجه به اینکه میزان دیه اقلیت های دینی از نظر شرع مقدس معلوم است لذا تبصره ۲ ماده واحده خلاف موازین شرع شناخته شد. در این نامه آمده است: چنانچه نظر ولی امر مبنی بر پرداخت مبلغی علاوه بر دیه اقلیت های دینی تا میزان دیه مسلم به اولیای دم آنان باشد، مطابق نظر معظم له عمل می شود.



عضو القاعده ارمنی؟!



روزنامه همشهری در شماره ۱۴ اردیبهشت سال جاری خود در صفحه ۱۴

زیر ستون «حاشیه جهان» در خبر کوتاهی با عنوان «کشف تازه آمریکاییها» یک عضو دستگیر شده القاعده توسط نیروهای مهاجم آمریکایی به عراق را به اشتباه ارمنی معرفی کرد.

همشهری می نویسد: «ابومصعب زرقاوی فرماندهی گروهی از مبارزان عراقی در غرب بغداد را بر عهده داشت و به ادعای آمریکاییها این مرد ارمنی مغز متفکر و طراح ترور لورنس فولی، دیپلمات آمریکایی به قتل رسیده در امان پایتخت اردن در اکتبر سال گذشته میلادی بوده است».

یادآوری می شود «زرقاوی» اردنی است که در همشهری به اشتباه ارمنی تایپ شده است.



ادامه روند شناسایی قتل عام ارمنه

شهرهای «ترویز» و «چنسون دی پیاو» در استان «ونه تو» به شمار شهرهای ایتالیایی که بیانیه واقیعت قتل عام ارمنه را مورد تأیید قرار داده اند اضافه شد.

در لویج مطروحه علاوه بر شناسایی واقیعت قتل عام ارمنه و محکومیت شدید آن از اتحادیه اروپا خواسته شده است تا قبول این شناسایی شرط ورود ترکیه به این اتحادیه باشد.

یکی از مسائل مورد توجه در بیانیه «ترویز» پرداخت خسارت به افراد زیان دیده از قتل عام و حمایت از حقوق ارمنه ساکن ترکیه می باشد.

یک کپی از لویج تصویب شده برای «گ. پاپاندرو» نخست وزیر یونان و رئیس فعلی اتحادیه اروپا، «گ. چامپین» رئیس جمهور ایتالیا، «پ. پالاسین» رئیس دادگاه بین المللی لاهه و «ن. اوگنانین» سفیر ترکیه در ایتالیا ارسال شده است.



راديو تلویزیون جهانی



بنا به گزارش روزنامه «۵۲۵» چاپ باکو به استناد «کنگره جهانی آذربایجانی ها» اخیراً ما بین این کنگره و سازمان های آذربایجانی های مقیم کشورهای مشترک المنافع عهد نامه ای در خصوص کمک به تأسیس «شبکه رادیو-تلویزیون جهانی آذربایجانی ها» در طول سال ۲۰۰۳ به امضاء رسیده است. و در حال حاضر مذاکراتی با شرکت های ذیربط پیرامون پخش برنامه های آذری برای مناطق مختلف جهان در جریان است. شماره حسابی نیز بدین منظور باز شده و کمک های تمامی آذربایجانی های دنیا در آن جمع می شود.

چنین به نظر می رسد که مرکز این شبکه رادیو-تلویزیونی در یکی از کشورهای اروپایی باشد.

در باکو نیز دفتر مرکزی این شبکه رادیو-تلویزیونی تأسیس خواهد شد، ولی با این حال و طبق برنامه کارکنان بخش تولید از شهروندان آذربایجان خواهند بود.





تحریف یگانه انتخاب

در آلاچ، یکی از روستاهای استان ارزروم ترکیه، مراسم یادبودی برای ۲۷۸ شهروند ترک، که در دهم مارس ۱۹۱۸ واقعاً یا به یقین توسط ارامنه کشته شده اند برگزار گردید. «ارول کیورچی اوغلو، رئیس کرسی روابط ترکیه - ارمنستان در دانشگاه آتاترک در ارزروم طی سخنرانی خود ارامنه را محکوم به قتل عام ترک ها کرده و خاطر نشان کرد، برای ترکیه مقدور نشد که قتل عام ۱۹۱۹-۱۹۱۵ ترک ها را به جهانیان ثابت کند. وی تأکید کرده است، که قتل عام هایی نیز در قفقاز، نخجوان و غیره به ثبت رسیده و کلاً ۱۸۵ قبر دسته جمعی در آناتولی وجود دارد.

رقابت

در میان شرکت های بزرگ نفتی دنیا برای تحت کنترل در آوردن چاه های نفت عراق رقابتی سخت به وجود آمده است. به احتمال قوی در این رقابت پیروزی از آن چهار کنسرسیوم بزرگ نفتی «اکزون»، «موبیل»، «شورون تکساکو» و «بریتیش پترولیوم» خواهد بود.



به گزارش ماهنامه «نیوزویک» نمایندگان این کنسرسیوم ها پیرامون این مسأله دیدارهایی با دولت بوش و روسای اپوزیسیون عراق داشته اند.

تعویق

امضای پیش نویس موافقتنامه طرح «شاه دینز» به تعویق افتاد «ناطق علی اف» رئیس شرکت نفتی آذربایجان اعلام کرد: با شروع جنگ در عراق مراسم رسمی امضاء قراردادهایی در خصوص شروع دور نخست طرح ساختمان سازی در اطراف منطقه نفتی «شاه دینز» به تعویق افتاد.

پیش بینی می شد این مراسم در ۲۷ مارس سال جاری در باکو با شرکت روسای جمهور کشورهای آذربایجان - گرجستان و ترکیه برگزار گردد. روزنامه «۵۲۵» چاپ باکو معتقد است شاید این فرصت در آوریل میسر شود.

درخواست

تجارت ترک خواهان دادن رأی منفی به «لایحه ارمنی» شدند اتحادیه تولیدکنندگان و تجار ترکیه (TUSJAO) و مرکز تجاری ترکیه - آمریکا (TUSBC) طی اطلاعیه ای خطاب به اعضاء کنگره آمریکا خواستار مقاومت ایشان در مقابل پافشاری های ارمنیان در رابطه با به رسمیت شناختن قتل عام ارامنه به خصوص در سالروز آن شدند.

«توئنجای ازیلبان» و «دورال ایشک» روسای دو سازمان یاد شده، تأسف خود را از ارائه طرح جدیدی در این رابطه از سوی لابی ارمنیان اعلام کرده اند. آنها ضمن تشویق اعضاء کنگره به دادن رأی منفی به این طرح تأکید کرده اند: «پیش کشیدن لایحه فوق صرفاً به منافع سیاسی برخی از نمایندگان وابسته است و در اوضاع بحرانی کنونی صرفاً می تواند روابط متقابل ترکیه - آمریکا را مورد تهدید قرار دهد».

در بیانیه فوق آمده است: «با توجه به اینکه تصویب چنین لایحه ای مطمئناً تأثیر منفی بر اذهان دارد، به لحاظ اقتصادی - تجاری نیز روابط آمریکا - ترکیه را متضرر خواهد ساخت».

تشکیلات جدید

در ترکیه تشکیلاتی با عنوان «انجمن قتل عام شدگان توسط ارامنه در طول جنگ جهانی اول» تشکیل شده است. رئیس این تشکیلات «تیروهان سردار» یکی از مدرسین مدرسه تخصصی بیتلیس می باشد.

به گزارش روزنامه ملی گرای «آرتادوقو» هدف از تشکیل این انجمن مبارزه علیه حامیان قتل عام ارامنه است. استانداردی بیتلیس در تأسیس این انجمن کمک شایانی کرده است.

استدلال های عجیب

ارامنه در حین کوچ اجباری خود در سال ۱۹۱۵ به روستاهای ترک ها حمله می کردند؟! «جورج رابرتسون» دبیر اول ناتو با مسنولین بلند پایه

تأسیس نمایندگی

«جورج رابرتسون» دبیر اول ناتو با مسنولین بلند پایه گرجستان در خصوص تأسیس نمایندگی پیمان آتلانتیک شمالی در منطقه قفقاز جنوبی در گرجستان به بحث و گفتگو خواهند نشست.

بنا به گزارش خبرگزاری «آرکا»، «داوید دُندا» سفیر گرجستان در ناتو گفته است: به پیش بینی دبیر اول ناتو در دیدار رسمی که در ماه مه از تقلیس خواهد داشت با طرف گرجی به بررسی این موضوع خواهد پرداخت.

وی همچنین گفته است: که در ملاقات های پیش بینی شده در تقلیس در مورد پذیرش گرجستان در سازمان های اروپایی ناتو نیز بررسی هایی انجام خواهد گرفت.



ترکیه باید همچون آلمان نازی محکوم شود

«علی ارتم»: ترکیه باید هر آنچه را که در طی نسل کشی از ارامنه گرفته است باز پس بدهد.

ایروان - ۱۷ آوریل، آرمین پرس - «علی ارتم»، رئیس انجمن «اتحاد علیه قتل عام» ترکیه در آلمان، در دیدار با دانشجویان دانشگاه دولتی ایروان گفت: «نسل کشی مسئله ای است که در یک طرف آن ملتی قتل عام شده و در طرف دیگر قتل عام کننده و نسل جدید آن قرار دارند. برای اینکه ملت های

ارمنی و ترک بتوانند از ابتدایی ترین روابط انسانی با هم سود ببرند، لازم است واقعیت ها گفته شود. ملت ترک وظیفه دارد از نسل قتل عام شدگان معذرت خواسته و پیامد های ویرانگر قتل عام را پذیرا باشد».

وی می گوید: روش های تنبیهی که در گذشته در مورد نازی ها به کار گرفته شده، باید در مورد ترک ها نیز به کار گرفته شود. و می افزاید: «جدای از این موارد، باید هر آنچه در زمان قتل عام از ارامنه به یغما رفته به آنان بازگردانده شود».

جنگ عراق و جنگ جهانی اول

روزنامه «ایندپندنت»: «در جنگ جهانی اول ارامنه بدون کشورهای متفق در برابر ترکیه دارای قدرتی نبودند».

ایروان، ۱۰ آوریل، نوایان داپان - در ارتباط با جنگ عراق، روزنامه انگلیسی ایندپندنت ضمن یادآور شدن تجربه جنگ جهانی اول یادآور می شود ما که «رئیس جمهور وقت آمریکا» و «ودرو ویلسون» کشورش را وارد جنگ کرد تا به مردم دنیا دموکراسی هدیه دهد. به نوشته این روزنامه در دوران جنگ ایالات متحده آمریکا پیش از هر کشور دیگری بر اعطای استقلال به ملل کوچکی همچون ارامنه و اکراد پافشاری می کرد، یعنی می خواست امپراتوری عثمانی را به بخش های مستقل خود مختار کوچک تبدیل کند. با این حال قوای نظامی خود را به منطقه اعزام نکرد و دیگر دولت ها نیز نیروهای خود را از منطقه خارج کردند. ارامنه بدون متفقین در برابر ترک ها هیچ بودند، پس از آن ترک ها از حق اکراد نیز برآمدند.

محکومیت قتل عام ارمنیان توسط روشنفکران سوری



انتشارات (الفرات)، بیروت اخیراً کتابی تحت عنوان «قتل عام ارمنه از دیدگاه سوری» و موضوع گیری روشنفکران سوری در قبال نژادکشی ارمنیان که حاصل سال ها تلاش و تحقیق خانم «نورا آرسیان» می باشد را به چاپ رساند.

مقدمه کتاب فوق توسط «جرج جبور» عضو پارلمان و نیز کمیته سازمان حقوق بشر سوریه به رشته تحریر درآمده است.

در بخش اول کتاب نویسنده ضمن بررسی وقایع تاریخی و مستند به معرفی روشنفکران سوری که در اوایل قرن بیستم در آثار خود به قتل عام ارمنه اشاره کرده اند پرداخته که تاکنون برای بسیاری روشن نبوده اند. که در این بین کتاب هایی چون «ارمنه در سوریه»، اثر «وجیه الخیامی» و نیز تحقیق دو جلدی «عمر سلبی» که به تفصیل به زندگی تاریخی - سیاسی و اقتصادی «دیر الزور» و نیز قتل عام ارمنه به عنوان بخشی از تاریخ تلخ این منطقه پرداخته است.

خانم آرسیان در بخش دیگری از کتاب خود به نظر خواهی از روشنفکران سوری پرداخته و نظرات بیش از چهل تن از ایشان از جمله چهره هایی چون «اسکندر لوگا»، «صابر فلحود»، «علی سلهان»، «ابراهیم الخلیلی»، «ولید مشوه»، «حسن حمید»، «حسن م. یوسف»، «سمیر رفعت»، «شوکت یوسف»، «فادال الصبائی»، «لکیت خوری»، «مازن عرفا»، «محمد علی زارکا»، «ولید اخلاصی»، «نبیل سلیمان»، «نیزار الخلیلی»، «موضر الموصلی» و دیگران نام برد.

خانم آرسیان همچنین بخشی از کتاب را به خاطرات روشنفکران و سیاستمداران سوری در مورد قتل عام ارمنه اختصاص داده که از آن بین می توان نام هایی چون «فانض الحسین»، «فاریص الخوری»، «محمد کورد علی»، «یوسف الحکیمی» را یادآور شد. آنچه به روشنفکران معاصر سوری مربوط می شود باید گفت اکثریت به اتفاق آنان قتل عام ارمنه توسط ترکیه را محکوم کرده آنرا جنایت بزرگ قرن، تلاش در راه نابودی انسانیت، تراژدی تلخ تاریخ و پیامد سیاست ترکی دانسته اند.

درخواست مداخله

پان ترکیست ها خواهان ورود ارتش ترکیه به شمال عراق شدند.

حزب «اولکو اجاق» آذربایجان طی بیانیه ای درباره اوضاع شمال عراق پس از شروع وضعیت جنگی در آن کشور اعلام کرد: «اخیراً اخبار تأسف باری از اطراف کرکوک شنیده می شود که باعث نگرانی می شود. کرکوک و موصل و مناطق ترک نشین شمال عراق میدان تاخت و تاز نیروهای تروریستی کردی شده اند. نویسندگان اعلامیه یادآور می شوند که، «پ ک ک» تلاش دارد تا



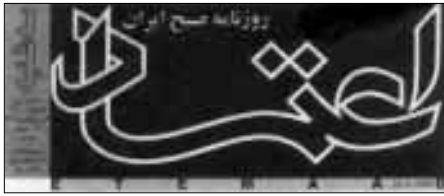
ساکنین ترک زبان کرکوک و موصل را از این مناطق کوچ داده و پایه خود را در این مناطق نفتی استوار سازند تا بتوانند دولت کردستان را به وجود آورند.

به عقیده این حزب به منظوری طرف قرار دادن ترک ها در این مناطق رؤسای کردی روابط حسنه خود را افزایش می دهند.

روزنامه «۵۲۵» چاپ باکو می نویسد: در پایان این اعلامیه آمده است: «از دول ترکیه و آذربایجان خواستار بکارگیری تمامی راه حل های سیاسی در دفاع از ترک های کرکوک و اعتراض نسبت به حامیان کردها هستیم»، و می افزاید: «ما خواستار استقرار نیروهای ترکیه در شمال عراق جهت تأمین امنیت ساکنین ترک زبان منطقه و همچنین اتخاذ روش هایی مؤثر برای حل مشکلات احتمالی ترک های کرکوک هستیم».

آیا باید «اعتماد» کرد

با چاپ اخبار بی اساس و نامه های مملو از دروغ نمی توان جلب اعتماد نمود. آنچه در زیر می خوانید بخش هایی از یک نامه سرگشاده منتسب به «تشکل های آذربایجانی» است که



روزنامه اعتماد در شماره دوم اردیبهشت خود با چاپ آن صداقت مطبوعاتی خود را زیر سوال برد. متن این نامه خود حکایت از پان ترکیست بودن نویسندگان نامه دارد و ما نیز گله ای از آنان نداریم، اما از همکاران خود در روزنامه اعتماد می پرسیم از کدامین «خیانت های ارمنه نسبت به مسلمانان و نیز کشور ایران» سخن می رانید. مگر ارمنه جز خدمت به این آب و خاک کاری کرده اند؟

«نامه سرگشاده تشکل ها نشریات و نویسندگان آذربایجانی به مسوولان کشور در

اعتراض به نسل کشی آذربایجانی ها توسط ارمنه

تشکل ها، نشریات و نویسندگان آذربایجانی در اعتراض به نسل کشی آذربایجانی ها توسط ارمنه، نامه سرگشاده بی را خطاب به مسوولان کشور صادر کردند.

در این نامه با اشاره به قتل عام های مسلمانان در فلسطین، بوسنی، چین، ترکستان شرقی، ارومیه، خوی و سلماس در سده اخیر، مسلمانان را همواره قربانی تسویه حساب های مذهبی دانسته و در ادامه چنین آورده اند: مسوولان محترم جمهوری اسلامی ایران، همانطور که مستحضرید همه ساله مصادف با ۲ آوریل، ارمنه کشور با اخذ مجوز از وزارت کشور با جمع آوری ارمنه نقاط مختلف کشور، بر علیه یک کشور اسلامی و مردم آن و در بعضی مواقع علیه ترک ها شعار می دهند.

در قسمتی دیگر از این نامه با اشاره به سوابق تاریخی خیانت های ارمنه نسبت به مسلمانان و نیز کشور ایران چنین آمده است: ارمنه کشور همه ساله در حالی که باز کردن اوراق مشکوک و ساختگی تاریخی می پردازند که برگ های خونین و سیاهی را در تاریخ جهان، خود و ایران به جای گذاشته اند. به راستی کشتار یک میلیون نفر از مردم مظلوم و مسلمان آذربایجان بویژه مردم ارومیه، خوی، سلماس و... و اشغال مناطق وسیعی از جغرافیای سیاسی و تاریخی آذربایجان توسط ارمنه افراطی در طول یک و نیم قرن گذشته، نمود عینی «نسل کشی»، «قتل عام» و «خیانت علیه بشریت» می باشد که باید در اذهان بشریت زنده بماند.

در انتهای این نامه، امضاکنندگان ضمن محکوم کردن هرگونه نسل کشی و جنایت علیه بشریت، خواستار به رسمیت شناخته شدن «نسل کشی» ملت آذربایجان توسط ارمنه در طول یک و نیم قرن اخیر از سوی حکومت جمهوری اسلامی ایران، بویژه نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، کمیسیون حقوق بشر اسلامی، تشکل ها و گروه های سیاسی، جامعه ارمنه کشور و کمیسیون های بین المللی و وجدان های بیدار و آزاد جهانی شدند.

ضمناً این تشکل ها و نشریات و نویسندگان درخواست مجوزی برای تحصن در روز پنجشنبه در مقابل دفتر سازمان ملل کرده اند.

حمایت



جمهوری ارمنستان از بیانیه کمیته حقوق بشر سازمان ملل، که پایمال شدن حقوق بشر توسط اسرائیل را در مناطق عربی محکوم نموده و دفاع مردم فلسطین در برابر رژیم اشغالگر را حق آنان می داند.

بنابه گزارش خبرگزاری «ایتارتاس» این بیانیه در نشست شانزدهم آوریل سال جاری میلادی کمیته حقوق بشر سازمان

ملل تصویب شده است که، ۳۳ کشور از جمله ارمنستان، روسیه، اوکراین، چین، هندوستان و کشورهای اسلامی به آن رأی مثبت دادند و پنج کشور از جمله ایالات متحده آمریکا با آن مخالفت کردند.

ترانزیت

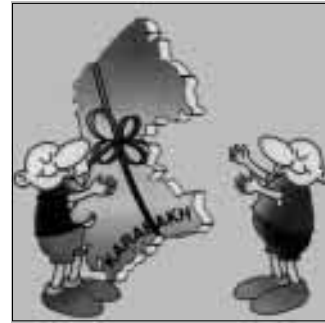
ارمنستان صدور کالاهای خود را از طریق راه های ترانزیتی ایران افزایش می دهد. به گفته «ادیک خورشیدیان» سفیر ارمنستان در قزاقستان، میزان صادرات سالانه ارمنستان از طریق ایران به قزاقستان نزدیک به هفت میلیون دلار برآورد می شود. بدین ترتیب محصولات ارمنستان بوسیله قطار به بندرانزلی ایران رسیده و از آنجا به بندر آکتانو در قزاقستان ارسال می شود.

قول بازستانی قره باغ

عیسی قنبر رهبر حزب مساوات و از نامزدهای احتمالی ریاست جمهوری در انتخابات آتی آذربایجان گفت: «در اولین فرصت دوران ریاست جمهوری خود قره باغ کوهستانی را به آذربایجان باز خواهیم کرد».

روزنامه «زرگالو» به نقل از عیسی قنبر می نویسد: حکومتی که دارای ارتشی قوی، سیاستی پایدار، و اقتصادی قوی باشد می تواند بدون کوچکترین مشکلی مسنله «مناطق اشغالی» را حل کند. قنبر افزوده است: «پس از آنکه آذربایجان راه توسعه در مسیرهای یاد شده را طی کند، ارمنستان خود رفتار مناسب را اتخاذ خواهد کرد».

روابط ترکیه و ارمنستان



شورای اروپا به بررسی روابط ارمنستان - ترکیه پرداخته است در سوم آوریل سالجاری در یک اجلاس مشورتی در شورای اروپا روابط ارمنستان و ترکیه تحت عنوان «ارمنستان - ترکیه ده سال پس از محاصره اقتصادی» مورد بررسی قرار گرفت.

به گزارش رادیو آزادی این نشست توسط «گندیگ» و «گاردون» رؤسای مشترک هیأت پارلمانی ترکیه و اتحادیه اروپا که در ضمن تهیه کنندگان گزارش «روابط اتحادیه اروپا با قفقاز جنوبی» نیز هستند ترتیب یافته بود.

در نشست فوق «کان سویاک» رئیس شورای تجاری ترکیه - ارمنستان، «نیکولاس دوتیان» نماینده اتحادیه انجمن های ارامنه اروپا و «بورسو یوردگین» گزارشاتی ارائه دادند. گزارشگران عمدتاً بر این نکته تأکید کرده اند که «پافشاری بر شناسائی قتل عام ارمنیان روابط ترکیه - ارمنستان را تهدید کرده و موجب خسارت اقتصادی می گردد». به همین دلیل نیز خواهان آغاز مذاکرات مابین روشنفکران ترک و ارمنی شده اند تا از این طریق اختلافات موجود حل گردد. به گفته ایشان محاصره اقتصادی ارمنستان از سوی ترکیه از دید حقوقی نه به معنای محاصره بلکه بیشتر سیاست مرزهای بسته است.

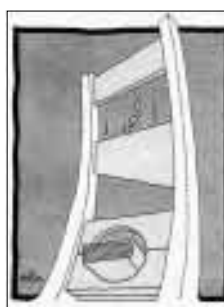
«لیلیکیان» مدیر اتحادیه ارامنه اروپا نیز به نام سازمان خود ضمن انتقاد از ترکیه محاصره ارمنستان از سوی این کشور را ناعادلانه خوانده و گفته است: ترکیه اقلیت های ملی این کشور را مورد آزار قرار داده و تهدید به حمله به عراق می کند. «لیلیکیان» تأکید کرده است: محاصره یک طرفه و ناعادلانه است و باید بدون قید و شرط برطرف شود. وی افزوده است: با تکیه بر منافع اقتصادی نمی توان از شناسائی واقعیت قتل عام و حق تعیین سرنوشت قره باغ گذشت.

کتاب سوزان

۲۸۵۵ نسخه از کتاب «کمال یلچین» نویسنده ترک با عنوان «دلیم با تو شاد است» که دو سال پیش به چاپ رسیده بود نابود شد. این کتاب از زمان چاپ تا نابودی آن در انبار نگهداری شده و به دست خوانندگان نرسیده بود، و بالاخره خوراک ماشین کاغذ خردکنی شده و در دفاتر دولتی نیز ثبت گردید.

دلیل نابودی این کتاب گوشه چشم نشان دادن نویسنده به مسائل ارامنه، کردهای بازمانده از سال های ۱۹۱۵، خاطرات ترک ها، تغییر مذهب و اسنادی دیگر است. نویسنده کتاب در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: این کتاب در حضور نماینده دولت و به دستور مقامات بالا نابود شد.

باکو: غرب به ما کمک خواهد کرد



«واقف آرزومانی» سیاستمدار آذربایجانی گفت: «رهبران آمریکا راه هایی را برای گسترش مبارزه علیه تروریسم و تثبیت روند دموکراسی در قفقاز جنوبی اندیشیده اند، که برخی از این راه ها به نفع آذربایجان خواهد بود. سیاست ضد تروریستی «بوش» موجب اخراج تروریست ها از قره باغ کوهستانی خواهد شد».

وی در مصاحبه با روزنامه «اولای لان» اظهار امیدواری کرد: «واشنگتن اقدامات مشخصی در جهت بازگرداندن قیومیت قره باغ به آذربایجان انجام دهد». به گفته این تحلیلگر آذربایجانی رؤسای مشترک گروه مینسک شورای امنیت و همکاری اروپا در سفر منطقه ای آتی خود پیشنهادات جدیدی ارائه خواهند داد که کاملاً به نفع آذربایجان خواهد بود.

چاپ صورت جلسات دادگاه ترور طلعت پاشا



طلعت پاشا، سرکرده سازمان دهندگان قتل عام ارامنه در سال ۱۹۲۱ توسط مبارز ارمنی «سقومون تهلیریان» در برلین ترور شد. و در همان سال در شعبه دوم دادگاه ایالاتی برلین پرونده قتل طلعت مورد بررسی قرار گرفت و تهلیریان بی گناه شناخته شد. و بدین صورت دخالت محض طلعت پاشا در قتل عام ثابت گردید.

بررسی ترور طلعت پاشا در اوایل قرن بیستم یکی از دادرسی های مهم آن دوران بود. دقیقاً به همین خاطر هفته نامه «آگوس» چاپ استانبول در شماره چهار آوریل خود می نویسد: «ترور طلعت پاشا نه تنها از نظر حقوقی بلکه در عرصه تاریخ سیاسی نیز از جایگاه مهمی برخوردار است».

همزمان نشریه «آگوس» از انتشار کتابی تحت عنوان «پرونده ترور طلعت پاشا» خبر می دهد، که در فوریه سال ۲۰۰۳ م. توسط «دوغان آکمانلی» ترجمه و در استانبول به چاپ رسیده است. این کتاب شامل ۱۸۲ صفحه بوده و در انتشارات «بلگه» منتشر شده است. صورت جلسات دادگاه یاد شده در سال ۱۹۲۱ به کوشش «آرمین وگنر» به رشته تحریر درآمده و در سال ۱۹۸۰ توسط دکتر «تسا هوفمن» در آلمان به چاپ رسیده است. بدین ترتیب آکمانلی با ترجمه صورت جلسات فوق، کمک شایانی به آشنایی خوانندگان ترک با این دادرسی که ارتباط تنگاتنگی با قتل عام ارامنه دارد کرده است.

و آن از این نظر مهم است، که این دادرسی با شرکت شاهدان عینی قتل عام به سمیناری تاریخی در جهت بررسی قتل عام ۱۹۱۵ تبدیل شده بود. آرمین وگنر که یکی از مستشاران نظامی آلمانی سپاه عثمانی بود نه تنها به عنوان شاهدی عینی به تفسیر این تصاویر می پردازد، بلکه با عکس هایی مستند صحت گفته های خود را به اثبات می رساند.

وی ضمن بررسی این دادرسی از نقطه نظر تاریخ ملل، در مقدمه کتاب خود می نویسد: «عملیات دانشجوی ارمنی علیه وزیر کشور (ترکیه) و تشکیل دادگاه مربوط به آن اذهان عمومی ملت آلمان را متوجه خونین ترین وقایع جنگ جهانی اول نمود. واقعیت به صورتی کاملاً عریان به نمایش درآمد، ترک های جوان به صورت برنامه ریزی شده تمامی ارامنه را به هلاکت رساندند. آنچه در طی دادرسی به وقوع پیوست غیر قابل تصور بود. محکوم بدون ادای کلمه ای با تأثیر از نژاد کشی ارمنیان به ناگاه در مقام حاکم جای گرفت. او دیگر سقومون تهلیریان مجرم نبود بلکه ندای روح خونین قربانی بود».

«آگوس» با معطوف کردن توجه ما به دیدگاه وگنر در مورد این پرونده که خواننده ترک نیز به لطف ترجمه آکمانلی با آن ارتباط برقرار کرده است، بخشی از نظر او را نیز در این رابطه به میان می آورد، آنجا که با توجه به تیرنه تهلیریان در دادگاه می نویسد: «این دادگاه در پی محکوم کردن ملت ترک نیست. این کشتار را نه مردم ترک که حاکمان ترکیه به انجام رسانده اند. کنسول های آلمانی در گزارشات خود شواهد بسیاری از دولتمردانی می آورند، کسانی که از اجرای دستورات قتل عام سرباز می زدند. آنان نه تنها برای مردم ترک بلکه ارامنه نیز دوست هستند».

یادآور می شویم که، مترجم کتاب «پرونده ترور طلعت پاشا»، دوغان آکمانلی نویسنده ترک مقیم آلمان است، که معاونت سازمان اتحاد علیه قتل عام، را که به رهبری «علی ارتم» تشکیل شده عهده دار می باشد، چنان که شناسائی قتل عام ارامنه برای او به هیچ وجه غریب نیست.

سخت گیری

به گزارش خبرنگاری «روس بالنت»، «ولادمیر ژیرینوسکی» رئیس حزب لیبرال دموکرات روسیه طی نشستی در مسکو که در خصوص جنگ آمریکا علیه عراق تشکیل شده بود اعلام کرد: قفقاز باری سنگین بر دوش روسیه است. به گفته وی، «جمهوری های قفقاز (گرجستان، ارمنستان و آذربایجان) را باید توسط دیواری از روسیه جدا نمود». ژیرینوسکی تأکید می کند: «ما باید از جنوب جدا شویم، همچون اسرائیل که از فلسطین جدا شده است». به عقیده او، توسعه درک ملی، در منطقه قفقاز ابتدا موجب فروپاشی شوروی و سپس شکل گیری مناقشات ملی در روسیه نوین شده است.

رهبر حزب لیبرال دموکرات روسیه پیشنهاد داده که در صدور روایت برای کشورهای قفقاز سختگیری هایی لحاظ شود تا آسیایی های کمتری در روسیه ساکن شوند